



A Re-examination and Ta'aviil of the Verses on Testimony

Focusing on Al-Baqarah: 282

(Received: 2022-4-29 Accepted: 2023-7-8)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2021.6.6.3.0>

Hosseini, Fatemeh Sadat¹
Hosseini Jahanabad, Bibi Zahra²

Abstract

In the common views of interpretation, which is very much influenced by "إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى" in the verse 282 of surah al-Baqarah has been understood in such a way that the value of a woman's testimony is half of a man's. Also, a new translation has been suggested for "إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى", which has a serious effect on our understanding of the verse.

In this article, with the view of Qur'an as an exact, interconnected and trans-historical text, and by combining the traditional and modern methods of understanding Qur'an which are expressed in fourteen principles, the value of the testimony of men and women in Qur'an is compared and it is shown that the value of testimony of them is equal. In addition, by considering the purpose of the verses instead of their appearance, which the most important of them is expressed by the phrase "أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا", tries to reach the underlying meaning of al-Baqarah: 282 and another verses of testimony.

Keywords

Al-Baqarah: 282, Coherence of the Text, Ta'aviil, Testimony, Thematic Interpretation of Qur'an by Qur'an, Trans-historical, Underlying Meaning.

¹ Free Researcher, M. Sc. in Pure Mathematics, Shiraz University, Mashhad, Iran. fatima.husseini@yahoo.com

² Free Researcher, The Second Level of Seminary, Al-Zahra University of Qom, Mashhad, Iran. hzahra997@gmail.com

This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

نوع مقاله: پژوهشی

بازخوانی و تأویل آیات شهادت (کواهی)**با تمرکز بر آیه ۲۸۲ سوره بقره**

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۲/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۱۷)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2021.6.6.3.0>حسینی، فاطمه سادات^۱حسینی جهان آباد، بی بی زهرا^۲**چکیده**

در دیدگاه‌های رایج تفسیری که بسیار متأثر از روایات است، عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» در آیه ۲۸۲ سوره بقره، به صورتی فهمیده شده است که از آن نصف بودن ارزش شهادت زن نسبت به مرد نتیجه می‌شود. در این مقاله، ترجمه جدیدی برای «إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» پیشنهاد شده است که تأثیر جدی در فهم آیه دارد. همچنین، با نگرش به قرآن به عنوان یک متن دقیق، منسجم و فراعصری و با تلفیق روش‌های سنتی و نوین فهم قرآن که در اصولی چهارده‌گانه بیان شده است، ارزش شهادت زن و مرد در قرآن مقایسه شده و نشان داده می‌شود که ارزش شهادت آنها، از منظر قرآن، برابر است. افزون بر این، با در نظر گرفتن هدف آیات به جای ظاهر آنها، که مهم‌ترین آنها با عبارت «ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا» بیان شده است، تلاش شده است که آیات مرتبط به شهادت را تأویل نموده و از آنها فهمی فراعصری ارائه دهد.

واژگان کلیدی

انسجام متن، بطن قرآن، بقره: ۲۸۲، تأویل قرآن، تفسیر موضوعی قرآن با قرآن، شهادت، فراعصری.

۱. پژوهشگر مستقل، کارشناسی ارشد ریاضی محض، دانشگاه شیراز، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

fatima.husseini@yahoo.com

۲. پژوهشگر مستقل، سطح ۲ حوزه علمیه، جامعه الزهرا قم، مشهد، ایران hzahra997@gmail.com

شهادت یا گواهی عبارت است از بیان اطلاعاتی که شخص به طور مستقیم از واقعه‌ای دارد. «یکی از مسائل مطرح شده در باب شهادت، نقش جنسیت در اعتبار شهادت است. امروزه، در بیشتر کشورهای جهان، شرط مرد بودن در زمره شرایط لازم برای اعتبار شهادت نیست ولی در قانون جمهوری اسلامی ایران، تفاوت‌هایی در اعتبار شهادت زن در قیاس با مرد وجود دارد. همچنین، در نظریات رایج مفسران و فقها، این تفاوت به چشم می‌خورد.» (احمری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۲).

یکی از جنجالی‌ترین آیات مرتبط با زنان در قرآن کریم، آیه ۲۸۲ سوره بقره است. آنچه این آیه را در انتقال به دوره مدرن در زمره آیات مناقشه‌برانگیز جای داده است، عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» است که در بسیاری از ترجمه‌ها و نظریات تفسیری، به گونه‌ای فهم و بیان شده است که بر نصف بودن ارزش شهادت زن نسبت به مرد دلالت می‌کند. با این خوانش، که بسیار متأثر از روایاتی است که بر نقصان عقلی زنان دلالت دارد، نصف بودن ارزش شهادت زن نسبت به مرد، به امور دیگر نیز گسترش داده شده است و بدینسان، موجی از برداشت‌های تفسیری مبتنی بر فرودستی زنان نسبت به مردان را سامان داده است. (برای توضیح بیشتر و دیدن اسناد این سخنان، بنگرید به: طیب حسینی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۵).

به جرات می‌توان گفت:

در فهمی از قرآن و روایات، که زنان را از نظر عقل و استعداد در درجه‌ای پایین‌تر از مردان در نظر می‌گیرند، این آیه شاهد قرآنی بر درستی این فهم در نظر گرفته شده است. (مهریزی، ۱۳۹۰: ۷۵).

این مقاله بر آن است که نشان دهد اگر قرآن به عنوان یک متن دقیق و منسجم در نظر گرفته شود و فهم آن به صورتی مستقل و فارغ از روایات انجام شود، می‌توان از آیات قرآن به فهمی کارآمد و متناسب با دوران معاصر دست یافت. به‌ویژه، این مقاله در صدد دستیابی به فهمی کارآمد از آیه ۲۸۲ سوره بقره، و ارائه ترجمه‌ای دقیق برای عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» در این آیه است. برای دست یافتن به چنین فهمی از آیات، ابتدا اصولی که نویسنده برای فهم قرآن به آنها پایبند است بیان شده است؛ برای اصولی که در نتایج به دست آمده در این مقاله، تأثیر ویژه‌ای داشته است، استدلال کوتاهی نیز بیان شده است. سپس:

الف: همه آیاتی که در آنها سخن از شهادت دادن و شاهد گرفتن است، گرد هم آمده است؛ سپس به مقایسه ارزش شهادت زن و مرد در آیات مورد نظر پرداخته است. با در نظر گرفتن این اصل که در زبان قرآن، به کار بردن ضمایر و افعال مذکر، بر هیچ جنسی دلالت نمی‌کند، نشان داده شده است که در موارد

گوناهگونی شهادت زن و مرد دارای ارزش یکسانی است و از این رو نمی‌توان نصف بودن ارزش شهادت زن در مقابل مرد را، به عنوان حکمی کلی که از قرآن استخراج شده است، در نظر گرفت.

ب: عبارت «إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» را ترکیب وصفی گرفته و برای عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» ترجمه جدیدی ارائه شده است که در آن شهادت زن و مرد دارای ارزش یکسانی است.

پ: از آنجا که اختلافاتی در قرائت عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» وجود دارد، از ترجمه ارائه شده در مقاله، با در نظر گرفتن قرائت‌های گوناگون آن، دفاع شده است.

ت: با در نظر گرفتن اصل نهم بیان شده در این مقاله، چنین استنتاج شده است که:

موضوع اصلی این آیه، بیان تفاوت ارزش شهادت زن و مرد نیست؛ بلکه با در نظر گرفتن هدف سفارش‌های آیه، که با عبارات «ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا» بیان شده است، هدف اصلی آیه، تأکید بر اجرای قسط، محکم‌کاری در امور مربوط به روابط مالی و توجه به میزان آگاهی افراد در موضوع مورد شهادت است.

همچنین، با استناد به آیه ۲۶ سوره یوسف، نتیجه گرفته است که:

از دیدگاه قرآن، دلایل عقلی نیز می‌تواند جایگزین شاهد شده و از آن برای اثبات جرم یا حق استفاده نمود. بدین طریق، با جایگزینی هدف به جای ظاهر آیه، به حکمی فراعصری دست یافته است که می‌توان آن را باطن یا همان تأویل آیه در نظر گرفت. از نظر نگارنده، در نظر گرفتن هدف آیات به جای ظاهر آنها، می‌تواند ما را به باطن آیات رهنمون سازد.

پیشینه پژوهش

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که موضوع تفاوت ارزش شهادت زنان با مردان، چنان‌که باید و شاید، مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. پژوهش‌هایی با رویکرد فقهی و حقوقی در دفاع یا توجیه نظریه رایج انجام شده است که با موضوع این مقاله ارتباط اندکی دارد. برخی پژوهش‌ها با رویکرد تلفیقی قرآن و روایات انجام شده است که عبارتند از: (صدری و صادقی موحد، ۱۳۹۴؛ سبحانی و دیگران، ۱۳۹۵؛ یاقوتی و مرادی، ۱۴۰۰؛ صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰)؛ برخی از این مقالات، گستره نابرابری شهادت زن و مرد را محدودتر دانسته‌اند. دو مقاله (حسن‌خانی، ۱۳۸۹؛ طیب حسینی و دیگران، ۱۴۰۰) از آنجا که تمرکزشان بر نظریات تفسیری است، به موضوع این مقاله نزدیک‌ترند. در پایان می‌افزاید که هیچ مقاله‌ای که به قرآن به دید یک متن منسجم و دقیق بنگرد و موضوع شهادت را از این زاویه بکاود یافت نشد.

۱. اصولی برای فهم روشمندانانه و کاربردی قرآن

نویسنده برای فهم قرآن به اصولی پایبند است. این اصول در مقاله‌ای با عنوان «تفسیر موضوعی قرآن با قرآن؛ با تأکید بر انسجام، نظم شبکه‌ای و فراعصری بودن متن: راهکاری برای فهم روشمندانانه و کاربردی قرآن» در «اولین همایش بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن» به صورت پوستر ارائه شده است. بیشتر این اصول از کتاب «قرآن در اسلام» علامه طباطبایی گرفته شده است. گاهی این شیوه فهم قرآن، «استنطاق قرآن» نیز نامیده شده است. (صفره و دیگران، ۱۳۸۹؛ ایزدی و اخوان‌مقدم، ۱۳۹۲). گفتنی است نگارنده با استفاده از این روش که تلفیقی از روش‌های سنتی و نوین فهم قرآن است، کتابی با عنوان «جنسیت و پیوندهای انسانی: نگرشی نو و قرآن‌محور» نگاشته که آماده چاپ است. در اینجا، فهرستی از اصول نگارنده بیان می‌شود. برای نشان دادن اعتبار علمی هر اصل، به آیات، مقالات و یا کتاب‌هایی استناد شده است که نشانی آن آمده است. این اصول از این قرارند:

اصل اول: هر ابهامی که در فهم یک آیه یا هر دسته از آیات وجود داشته باشد، باید با استفاده از لفظ خود قرآن حل شود. به بیانی دیگر، قرآن باید در دلالت خود مستقل باشد. (نساء: ۸۲؛ طباطبایی، ۱۳۵۳: ۲۹-۳۳؛ نکونام و جوانمردزاده، ۱۳۹۴)

اصل دوم: پیامبر(ص)، آیات قرآن را به مرور زمان و تدریجی برای مردم بیان نموده است. (فرقان: ۳۲؛ اسراء: ۱۰۶).

با پذیرش این اصل، در برخی موضوعات، ترتیبی برای آیاتی که موضوع یکسانی دارند، پیشنهاد شده است. این ترتیب، با توجه به ارتباط منطقی مطالب بیان شده در آیات به دست آمده است.

اصل سوم: برای فهم نظر قرآن در یک موضوع خاص، باید همه آیات مربوط به آن موضوع بررسی شوند.

با توجه به نزول تدریجی قرآن و وجود نسخ در آیات آن، ممکن است آیه‌ای مفهوم آیه دیگری را کامل کند. از این رو، برای رسیدن به فهمی درست از آیات قرآن، این کار ضروری است.

اصل چهارم: از قرآن، کلیات برنامه زندگی بشر به دست می‌آید. (نحل: ۸۹؛ اسراء: ۹).

اصل پنجم: برای فهم قرآن، لازم است دانش بشری از دو منظر مورد توجه قرار گیرد؛ یکی در فهم قرآن و دیگری در یافتن جزئیات موضوعاتی که کلیات آن در قرآن بیان شده است. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۷: ۶۱؛ یساقی، ۱۳۹۴: ۱۰۵-۱۰۶).

اصل ششم: زبان قرآن، چندساختاری (نوشتاری- گفتاری) است؛ زبان قرآن، از نظر شیوه بیان، گفتاری است، نه نوشتاری. (معرفت، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۹؛ شاکرین، ۱۳۹۱؛ آجیلیان و دیگران، ۱۳۹۷)

اصل هفتم: قرآن متنی منسجم و دارای نظم شبکه‌ای است. به دیگر سخن، وحدت و یکپارچگی متن قرآن، بر همه اجزایش سایه افکنده است. (قرائی، ۱۳۹۴).

با پذیرش این اصل، افزون بر استفاده از فرهنگ واژگان، گاهی برای فهم معنای برخی واژه‌ها و یا عبارات، به دیگر کاربردهای آن واژه یا عبارت و همچنین، ساختارهای زبانی و دستوری مشابه در آیات دیگر نیز، توجه ویژه‌ای شده است. (فعالی، ۱۳۹۲)

اصل هشتم: حکمی که از قرآن به دست می‌آید، نباید محدود به زمان خاصی باشد و باید در همه زمان‌ها، معنا داشته و قابل اجرا باشد. (انبیاء: ۱۰۷؛ راد و مؤمن‌نژاد، ۱۳۹۴).

اصل نهم: در دستورهای قرآن هدف‌ها مهم است و نه ابزار.

در آیه ۶۰ سوره انفال واضح است که مقصود قرآن، عمل به ظاهر آیه نیست. اگر به قرآن به عنوان یک ساختار به هم پیوسته و هماهنگ بنگریم، نتیجه می‌شود که در همه جای قرآن این‌گونه است و انتظار خداوند از ما هدف آیات است و نه عمل به ظاهر آنها. در این باب، آیت‌الله معرفت مراحل چهارگانه‌ای را برای به دست آوردن باطن آیات معرفی می‌کند:

«۱- به دست آوردن هدف آیه؛

۲- الغای خصوصیت از زمان و مکان و افرادی که در اصل تحقق هدف دخالت ندارند؛

۳- استنباط قاعده کلی؛

۴- تطبیق قاعده کلی مذکور بر مصادیق جدید.» (جعفری و باکوبی، ۱۳۹۷: ۸۸).

پابندی به این اصل، برای یافتن قوانینی سازگار با زندگی امروز و قابل اجرا در دنیای مدرن، یک ضرورت است.

اصل دهم: در زبان قرآن، به کار بردن ضمائر و افعال مذکر، بر هیچ جنسی دلالت نمی‌کند؛ برای دلالت افعال و ضمائر مذکر، بر جنس مذکر، نیاز به شاهدی در متن است. (ودود، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۴؛ زاهدی، ۱۳۸۷؛ خیری و دیگران، ۱۳۹۹).

۱- خداوند برای خود و ملائکه نیز از ضمائر و افعال مذکر استفاده نموده است، حال آنکه برای خداوند و ملائکه جنسیت معنا ندارد.

۲- در آیه ۹۷ سوره نحل می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ یعنی: «هرکس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن



باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد». در این آیه، همه افعال و ضمایر به صورت مذکر به کار رفته‌اند، اما از مضمون آیه واضح است که هم به زنان و هم به مردان دلالت دارد.

۳- در آیه ۱۰ سوره حجرات می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ یعنی: «در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند؛ پس میان برادرانتان صلح برقرار کنید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید». در این آیه، همه افعال و ضمایر به صورت مذکر به کار رفته‌اند، ولی دلالت آن بر هر دو جنس، آنچنان آشکار است که به استناد این آیه، دو زن مؤمن نیز، به راحتی یکدیگر را خواهر دینی و زن و مرد مؤمن، یکدیگر را برادر و خواهر دینی می‌نامند. دقت شود که اگر فقط قاعدهٔ تغلیب زبان عربی را در نظر بگیریم، به استناد این آیه نمی‌توان زنان مؤمن را خواهر دینی یکدیگر نامید. چنین نتیجه‌ای از گفتاری بودن زبان قرآن به دست می‌آید.

به اختصار می‌توان گفت، در زبان قرآن که تلفیقی از قاعدهٔ تغلیب و زبان گفتاری است، استفاده از ضمایر و افعال مذکر به جنسیت خاصی دلالت نمی‌کند؛ و برای دلالت افعال و ضمایر مذکر، بر جنس مذکر، نیاز به شاهدی در متن است.

در این مقاله، با توجه به نظم موجود در قرآن، یا این قاعده در همه جای قرآن برقرار است یا در هیچ جا برقرار نیست. در نتیجه، در سرتاسر قرآن، هر جا که ضمیر یا فعل مذکر به کار رفته است، جنسیت در آن اهمیتی ندارد؛ مگر اینکه شاهدی در متن موجود باشد که مشخص کند، منظور فقط مردان است. **اصل یازدهم:** در حکمی که از قرآن به دست می‌آید، نباید سختی و مشقت باشد. (حج: ۷۸).

اصل دوازدهم: آیاتی هستند که آیات دیگری را نسخ می‌کنند. (بقره: ۱۰۶؛ نحل: ۱۰۱-۱۰۲).

اصل سیزدهم: قرآن برای کسانی که با قصد بد به سراغ آن می‌روند، قابل فهم نیست. (فصلت: ۴۴؛ واقعه: ۷۹؛ اسراء: ۴۵-۴۶؛ فراستخواه، ۱۳۷۳).

اصل چهاردهم: دو نوع آیه وجود دارد: محکم و متشابه؛ از آیات محکم، برای روشن شدن آیات متشابه استفاده می‌شود. (آل عمران: ۷؛ زمر: ۲۳؛ خرمشاهی: ۱۳۷۶: ۷۳۲-۷۴۵).

و یادآوری می‌شود که:

الف: اینکه کدامین موضوع را می‌توان بدین روش بررسی کرد و به نتایج کارآمدی رسید، در آغاز پژوهش مشخص نیست. می‌توان گفت: موضوع مورد نظر باید در قلمرو قرآن باشد و قرآن به اندازه کافی درباره آن سخن گفته باشد. (کریمی، ۱۳۹۸: ۱۹۲).

ب: مرزبندی میان کلیات و جزئیات، پیش از بررسی هر موضوع، ممکن نیست. منظور از کلیات همان موضوعاتی است که از آن در قرآن سخن به میان آمده است و منظور از جزئیات، مطالبی است که به آنها اشاره‌ای نشده است. تأکید می‌شود که هدف نگارنده، فقط یافتن کلیات است.

پ: یافتن اصولی از قرآن در یک موضوع، تازه آغاز راه است. بر عهده متخصصان شاخه‌های مختلف علوم انسانی است که با در نظر گرفتن این اصول، جزئیات مربوط به هر موضوع را به گونه‌ای قابل اجرا در عصر کنونی ارائه کنند.

ت: درباره نظریه ابتناء علوم انسانی بر قرآن، که نگارنده از آن دفاع می‌کند، در مقاله رضایی اصفهانی چنین آمده است:

از توصیه‌های اکید مقام معظم رهبری، انجام پژوهش‌های قرآنی در زمینه علوم انسانی و پایه‌گذاری این علوم بر مبانی قرآن است. از آنجا که قرآن کتاب هدایت انسان است او را از جهات مختلف مورد توجه قرار داده است. بنابراین توجه به آموزه‌های قرآنی و ابتناء نظریه‌های مربوط به علوم انسانی بر قرآن نه تنها ممکن، بلکه بسیار ضروری می‌باشد. ایشان در دیدار با بانوان قرآن‌پژوه می‌فرمایند: «این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف اینها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این کار اساسی و بسیار مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد» (دیدار با جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۸۸/۷/۲۸). (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۴۳).

۲. آیات مربوط به شهادت دادن و شاهد گرفتن

در اینجا همه آیاتی که به موضوع شهادت دادن و شاهد گرفتن مرتبط است، گرد هم آمده است.

۱- بقره: ۲۸۲-۲۸۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا بِيَخْسٍ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي



عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهَا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيَمْلَلْ وَلَيْتَهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسَامَوْا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٢٨٢) وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ أَمٌّ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (٢٨٣)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که [به خاطر وام یا داد و ستد مدت‌دار] به یکدیگر بدهکار شدید آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای، [سند را] در حضور شما عادلانه بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند همان گونه [و به شکرانه آن] که خدا او را آموزش داده است؛ پس باید بنویسد و کسی که حق بر عهده اوست املا کند و از خدا که پروردگار اوست پروا کند و چیزی از آن نگاهد. و اگر کسی که حق بر عهده اوست سفیه (کم عقل) یا ضعیف (بی عقل) بود یا به تنهایی توانایی املا کردن نداشت، باید ولی او عادلانه املا کند. و دو نفر از مردانتان را [بر این حق] شاهد بگیرید. پس اگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن از شاهدانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند [شاهد بگیرید] تا اگر یکی از آن دو، انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و هنگامی که شاهدان را بخوانند نباید خودداری کنند. و از نوشتن آن طبق سررسیدش چه کوچک باشد چه بزرگ خسته نشده [و مسامحه نکنید]. این [نوشتن] شما نزد خدا عادلانه‌تر و برای شهادت استوارتر و برای جلوگیری از شک و تردید بهتر است. مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که [کالا و بهای] آن را بین خود دست‌به‌دست می‌کنید؛ در این صورت بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و هرگاه داد و ستد کردید شاهد بگیرید. و نباید به نویسنده و شاهد زبانی برسد و نویسنده و شاهد [نیز] نباید [به دو طرف قرارداد] زبانی برسانند و اگر چنین کنید، از نافرمانی شما خواهد بود. و از خدا پروا کنید و خدا به شما می‌آموزد و خدا به همه چیز داناست. (رضایی کرمانی و خوش خاضع، ۱۳۹۴: ۱۱۹)

توضیحات:

الف: دلیل قرآنی که در بیشتر تفاسیر، برای نصف بودن ارزش شهادت زنان در برابر مردان بیان شده است، عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» در آیه ۲۸۲ است.

ب: از آنجا که مقاله «بازخوانی آیه دین (بقره: ۲۸۲) در ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم» ترجمه دقیق‌تری از این آیه ارائه نموده است، در این مقاله، از ترجمه مقاله یاد شده برای آیه دین استفاده نموده است.

۲- نساء: ۶

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶)

ترجمه: و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید، و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد؛ و هرکس تهی‌دست است، باید مطابق عرف [از آن] بخورد؛ پس هر گاه اموالشان را به آنان رد کردید، برایشان گواه بگیرید، و خداوند حسابرسی را کافی است. (۶)

توضیح: در این آیه، که موضوع آن برگرداندن مال یتیم است، با توجه به اصل دهم، هم زن و هم مرد، می‌توانند شاهد قرار گیرند و در صورت لزوم شهادت دهند.

۳- نساء: ۱۵

وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نُسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِّنْكُمْ فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (۱۵)

ترجمه: و از زنان شما، کسانی که مرتکب فحشا می‌شوند، چهار تن از میان خود [مؤمنان] بر آنان گواه بگیرید؛ پس اگر شهادت دادند، آنان [= زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد. (۱۵)

توضیحات:

الف: در این آیه، با توجه به اصل دهم، ضمیر «کم» در «منکم» به مؤمنان برمی‌گردد و تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد.

۴- مائده: ۱۰۶-۱۰۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهِادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ



ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ (۱۰۶) فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَأَخْرَأَنَّ يَاقُوبَانُ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانُ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۷) ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَأَنْتَعُوا اللَّهَ وَإِسْمَاعِيلَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۱۰۸)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وقتی مرگ یکی از شما نزدیک است، باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیت، به شهادت میان خود فراخوانید؛ یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ، شما را فرارسید [و شاهد مسلمان نبود] دو تن از غیر [همکیشان] خود را [به شهادت بطلبید]. و اگر [در صداقت آنان] شک کردید، پس از نماز، آن دو را نگاه می‌دارید؛ پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که ما این [حق] را به هیچ قیمتی نمی‌فروشیم، هر چند [پای] خویشاوند [در کار] باشد، و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم، که [اگر کتمان حق کنیم] در این صورت از گناهکاران خواهیم بود. (۱۰۶) و اگر معلوم شد که آن دو دستخوش گناه شده‌اند، دو تن دیگر از کسانی که بر آنان ستم رفته است، و هر دو [به میت] نزدیکترند، به جای آن دو [شاهد قبلی] قیام کنند؛ پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که: گواهی ما قطعاً از گواهی آن دو درست‌تر است، و [از حق] تجاوز نکرده‌ایم، چرا که [اگر چنین کنیم] از ستمکاران خواهیم بود. (۱۰۷) این [روش] برای اینکه شهادت را به صورت درست ادا کنند، یا بترسند که بعد از سوگند خوردنشان، سوگندهایی [به وارثان میت] برگردانده شود، [به صواب] نزدیکتر است. و از خدا پروا دارید و [این پندها را] بشنوید، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند. (۱۰۸)

توضیحات:

الف: در این آیه، با توجه به اصل دهم، در موضوع شاهد بر وصیت، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. ب: در این آیات نیز، در آیه ۱۰۸ هدف از این شیوه شاهد گرفتن بیان شده است. اگرچه در دوران کنونی، استفاده از این شیوه برای محکم‌کاری و ادای شهادت درست کارساز نیست، اما اگر هدف آیه را در نظر گیریم با روش‌های نوین و دقیق امروزی می‌توان به هدف آیه دست یافت.

۵- نور: ۲-۱۰

الرَّائِيَةَ وَالزَّانِيَةَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲) الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۳) وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءِ

فَجَلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (٤) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٥) وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (٦) وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (٧) يَدْرُؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (٨) وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (٩) وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (١٠)

ترجمه: به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در [کار] دین خدا، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید، و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند. (٢) مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به همسری نگیرد، و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است. (٣) و کسانی که نسبت زنا به زنان پاکدامن می‌دهند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید، و هیچ‌گاه شهادتی از آنها نپذیرید، و اینانند که خود فاسقند. (٤) مگر کسانی که بعد از آن [بهتان] توبه کرده و به صلاح آمده باشند که خدا البته آمرزنده مهربان است. (٥) و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند، و جز خودشان گواهی [دیگر] ندارند، هریک از آنان [باید] چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعاً از راستگویان است. (٦) و [گواهی در دفعه] پنجم این است که [شوهر بگوید]: لعنت خدا بر او باد، اگر از دروغگویان باشد. (٨) و از [زن]، کیفر ساقط می‌شود، در صورتی که چهار بار به خدا سوگند یاد کند که [شوهر] او جداً از دروغگویان است. (٨) و [گواهی] پنجم آن که خشم خدا بر او باد، اگر [شوهرش] از راستگویان باشد. (٩) و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و اینکه خدا توبه‌پذیر سنجیده‌کار است [رسوا می‌شدید]. (١٠)

توضیحات:

الف: مجازات نسبت دادن زنا به زنان پاکدامن، بدون آوردن چهار شاهد، هشتاد تازیانه است؛ در این مورد، با توجه به اصل دهم، تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود.

ب: با توجه به این آیات، هنگامی که مردی به همسرش نسبت زنا می‌دهد، باید چهار بار شهادت دهد که همسرش مرتکب زنا شده است و بار پنجم می‌گوید: «خدا مرا لعنت کند، اگر دروغگو باشم». در برابر آن، زن چهار بار شهادت می‌دهد که زناکار نبوده است و سپس می‌گوید: «خدا به من غضب کند، اگر شوهرم راست گفته باشد». در پی این چهار شهادت زن، چهار شهادت مرد باطل می‌شود و زن تبرئه می‌شود. اگر تفاوتی در ارزش شهادت زن و مرد وجود داشت، می‌بایست برای بطلان چهار بار شهادت مرد، زن به تعداد بیشتری شهادت می‌داد، که چنین نیست.



۶- طلاق: ۱-۲

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَتَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱) فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوَعِّظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲)

ترجمه: ای پیامبر! چون خواستید زنان را طلاق دهید، با [نگاه داشتن] عدّه آنان طلاقشان گوید و حساب آن عده را داشته باشید، و از خدا، پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه‌هایشان بیرون مکنید، و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی. و هرکس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی‌دانی، شاید خدا پس از این پشامدی پیش آورد. (۱) پس چون عدّه آنان به پایان رسید، [یا] به‌شایستگی نگاهشان دارید، یا به‌شایستگی از آنان جدا شوید، و دو فرد عادل را از میان خود گواه گیرید، و گواهی را برای خدا به پا دارید. این است اندرزی که به آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، داده می‌شود، و هرکس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد. (۲)

توضیحات:

الف: در این آیات، با توجه به اصل دهم، ضمیر «کُم» در «مِنْکُم» به همه مؤمنان برمی‌گردد.
ب: عبارت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» در ابتدای آیه، بیانگر این است که مسئول اجرای حکم طلاق، پیامبر یا جانشین اوست؛ از آنجا که اجرای حکم طلاق بر عهده مردان نیست، لازم نیست که شهود نیز مرد باشند. از این رو، هنگام شاهد گرفتن برای طلاق، جنسیت شاهد اهمیتی ندارد.

۲-۱. دسته‌بندی آیات از نظر ارزش شهادت

۲-۱-۱. مواردی که شهادت زن و مرد دارای ارزش یکسانی است:

الف: شاهد گرفتن برای رد مال یتیم؛

ب: شهادت برای اثبات انواع فحشا؛

پ: شاهد گرفتن برای وصیت؛

ت: شاهد گرفتن برای طلاق.

ملاحظه می‌شود که حکم نصف بودن ارزش شهادت زن نسبت به مرد نمی‌تواند ریشه قرآنی داشته باشد، زیرا در موارد گوناگونی نقض شده است.

۲-۱-۲. موردی که نصف بودن ارزش شهادت زن در برابر مرد، از آن نتیجه گرفته شده است:

دلیل قرآنی که برای نصف بودن ارزش شهادت زنان در برابر مردان بیان شده است، عبارت «وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» در آیه ۲۸۲ سوره بقره است که در فولادوند بدین صورت ترجمه شده است: «و دو نفر از مردانتان را [بر این حق] شاهد بگیرید. پس اگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن از شاهدانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند [شاهد بگیرید] تا اگر یکی از آن دو، انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند».

۳- بررسی نظریات رایج تفسیری درباره آیه ۲۸۲ سوره بقره

بخش بحث‌برانگیز این آیه، عبارت است از:

وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى؛

اگرچه در تفاسیر گوناگون اختلاف نظرهای جزئی دیده می‌شود، مثلاً بسیاری از تفاسیر بر اینکه باید یکی از شهود مرد باشد تأکید دارند، اما تفسیر اطیب البیان پذیرفته است که چهار زن می‌تواند به جای دو زن شاهد قرار گیرد (طیب، ۱۳۷۸: ۷۹/۳)؛ اما در نگاهی کلی، در نظریات مفسران، تفاوتی که تأثیر جدی بر مفهوم آیه داشته باشد، دیده نمی‌شود. می‌توان گفت: مهم‌ترین تفاوت آنها در ترجمه عبارت «أَنْ تَضِلَّ» است که برخی «ضلالت» را به معنی «انحراف از حق» و برخی به معنی «فراموشی» دانسته‌اند. تا جایی که نگارنده به تفاسیر، ترجمه‌ها و مقالات گوناگون مراجعه نموده است، همگی «أُخْرَى» را مفعول فعل «تُذَكَّرَ» گرفته‌اند.

ایرادات این ترجمه:

ایراد اول: فرض کنیم وضعی پیش آمده است که شخصی یک شاهد مرد و یک شاهد زن دارد، اما زنی که شاهد قرار گرفته است، به دلیل انحراف، حاضر به شهادت نیست، یا موضوع مورد شهادت را فراموش نموده است. آیا لزوماً زن دیگری باید باشد که این موضوع را به یاد آن زن فراموش‌کار آورد



و یا انحرافش را به او گوشزد نماید؟! آیا آن مرد شاهد و یا صاحب حق نمی‌تواند ماجرا را به یاد او آورد؟! دقت در این مطلب، ایراد منطقی، به چنین ترجمه‌ای وارد می‌کند.

ایراد دوم: در این ترجمه‌ها، از متن آیه نتیجه نمی‌شود که زن دوم، زن اول را یادآوری کند یا زن اول، زن دوم را؛ این مطلب به روانی ترجمه خدشه وارد می‌کند.

ایراد سوم: در ترجمه‌های رایج، نیازی به ضمیر «هُمَا» بین «إِحْدَى» و «أُخْرَى» نیست و آیه می‌توانست به صورت زیر باشد:

«أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَى الْأُخْرَى»، یعنی: «پس دیگری آن را یادآوری کند».

۳-۱. بحث درباره ترجمه ضلالت

«واژه ضلالت در شمار مفاهیم پربسامد قرآن کریم است که با تنوع بسیاری در سرتاسر قرآن کریم به چشم می‌خورد». (فریسات، ۱۳۹۲: ۱۹). چندین مقاله و پایان‌نامه در صدد فهم معنای دقیق واژه «ضلالت» بوده‌اند. اختلاف اساسی در مفهوم «ضلالت» آن است که آیا این واژه در قرآن، به معنی «انحراف از حق» آمده است و یا به معنی «فقدان هدایت به سمت مقصود؛ فارغ از اینکه مقصود، حق باشد یا باطل»؛ برآیند نتایج پژوهش‌های انجام شده آن است که به هر دو معنا به کار رفته است. برخی از پژوهش‌هایی که چنین نتایجی داشته‌اند، عبارتند از: پایان‌نامه فریسات، ۱۳۹۲ و مقالات: پرچم و قناعتی، ۱۳۹۹؛ مسبوق و غلامی، ۱۳۹۶؛ فتحی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶). در میان فرهنگ‌های واژگان نیز، مصطفوی در «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» به صراحت، «ضلال» را به معنی «فقدان هدایت به سمت مقصود؛ فارغ از اینکه مقصود مادی باشد یا معنوی» دانسته است. در این میان، پرسشی که به ذهن می‌رسد آن است که این واژه در آیه ۲۸۲ سوره بقره به چه معناست. در بین مفسران و مترجمان، برخی آن را به معنای «انحراف» که مقصودشان همان «انحراف از حق» است، گرفته‌اند و برخی نیز به معنای «فراموشی» دانسته‌اند. از آنجا که اختلاف نظر این مقاله با دیگران، بر سر ترجمه «إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» است، بحث درباره معنای «ضلالت» را در همین جا پایان می‌دهد و فقط توجه مخاطب را به این نکته جلب می‌کند که:

اگر «ضلالت» در قرآن، فقط به معنای «انحراف از حق» است، در آیه ۷ سوره ضحی، که در آن خداوند یکتا، حضرت محمد(ص) را در دوره‌ای از زندگی‌اش با عبارت «وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى» مورد خطاب قرار داده است؛ به چه معناست؟

آیات دیگری که در آنها «ضلالت» در معنایی غیر از «انحراف از حق» استفاده شده است، از این قرارند:
یوسف: ۸؛ یوسف: ۳۰.

در پایان می‌افزاید که برخی از مفسران و مترجمان، «ضاللت» در آیه ۲۸۲ سوره بقره را به معنای «انحراف از حق» ندانسته و آن را به معنای «فراموشی» دانسته‌اند. ایرادی که بر این ترجمه وارد است آن است که اگر در این آیه، «ضاللت» به معنای «فراموشی» است، به آسانی می‌شد به جای «أَنْ تَضِلَّ» بگوید «أَنْ تَنْسَى»؛ چرا چنین نیست؟

۴- ترجمه پیشنهادی برای «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»

در اینجا ترجمه‌ای برای عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» پیشنهاد می‌شود که در آن زن و مرد در «ادای شهادت» یکسانند و فقط در «تحمل شهادت»، بین زن و مرد تفاوتی وجود دارد. به بیانی روشن‌تر، در این ترجمه، ارزش شهادت زن حتی در معاملات، با ارزش شهادت مرد یکسان است و فقط در هنگام شاهد گرفتن برای معاملات، از آنجا که با توجه به فرهنگ قرآن، مسئولیت‌های اقتصادی خانواده بر عهده مردان است (نساء: ۳۴) و از این رو در موضوعات اقتصادی، بیشتر زنان از اطلاعات کافی برخوردار نیستند، برای احتیاط سفارش شده است که اگر دو مرد نبود، به جای یک مرد، دو زن شاهد قرار گیرند، تا کمی اطلاعات آنان در معاملات، از دقت و محکم‌کاری کار نکاهد. در عبارت بالا، می‌توان:

الف: «ضاللت» را به «درست تشخیص ندادن» یا به بیانی دیگر، «اشتباهی که بر اثر نداشتن اطلاعات کافی در معاملات» به وجود می‌آید، ترجمه کرد که البته این نوع اشتباه، هیچ نقضی بر زن وارد نمی‌سازد، زیرا با توجه به اینکه در قوانین قرآن، نفقه و دیگر مسئولیت‌های مالی خانواده به عهده مردان است، طبیعی است که مردان مسلمان در معاملات بیش از زنان آگاهی داشته باشند.

ب: به جای اینکه «أُخْرَى» را مفعول فعل «تُذَكِّرَ» بدانیم، می‌توانیم صفت برای دومین «إِحْدَى» گرفته و ترکیب «إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» را فاعل فعل «تُذَكِّرَ» در نظر بگیریم و عبارت را به صورت زیر ترجمه کنیم:

مبادا یکی از آنها اشتباهی کند، پس یکی دیگرشان یادآوری کند.

۱-۴. دلایل برتری ترجمه پیشنهادی بر ترجمه‌های رایج

۱- در ترجمه‌های رایج، نیازی به ضمیر «هُمَا» بین «إِحْدَى» و «أُخْرَى» نیست و آیه می‌تواند به صورت

زیر باشد:

أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَى الْأُخْرَى



۲- این ترجمه، روان است، زیرا فاعل جمله در متن آیه آمده است؛ این با بلاغت قرآن سازگارتر است.
۳- عباراتی با ترکیب بیان شده، در آیات دیگری نیز استفاده شده است؛ مثلاً در سوره طه، آیه ۲۳ می فرماید: «لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى»، یعنی: «تا آیات بزرگ خود را به تو نشان دهیم» و یا در سوره اعراف، آیه ۱۳۷ می فرماید: «...وَوَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْحُسْنَى...»، یعنی: «...و وعده نیکوی پروردگارت بر بنی اسرائیل تحقق یافت...» و یا «سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» در آیه ۱ سوره اعلی، یعنی: «به نام پروردگارت که بلندمرتبه است، تسبیح گوی».

توضیح: اشتباهی که در ترجمه «إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» در آیه ۲۸۲ سوره بقره دیده می شود، در آیات دیگری نیز رخ داده است. مقاله آریان، به لغزش های برخی از مترجمان در ترجمه آیاتی از این دست اشاره نموده است. (برای توضیح بیشتر بنگرید به: آریان، ۱۳۷۸: ۱۹-۲۰).

۲-۴. بررسی دیدگاه نویسندگان با فرض درستی دیگر قرائت های «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»

اگرچه موضوع اختلاف قرائت در جای خود، بحث مهمی است، اما موضوع تحمیل روایات بر قرآن بسیار جدی تر است و آنچنان بر فهم مفسران از قرآن اثرگذار بوده است که در برابر آن، موضوع اختلاف قرائت در حاشیه قرار می گیرد. به هر حال برای تکمیل بحث، به این موضوع نیز می پردازیم:
اگرچه در قرائت عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» اختلاف قرائت هایی وجود دارد، اما در بخشی از عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» که در این مقاله برای آن ترجمه جدیدی ارائه شده است، اختلاف قرائتی که در مفهوم آیه اثرگذار باشد، دیده نمی شود؛ اختلاف قراءت سبعة و حتی قاریان چهارده گانه، در قرائت «إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» فقط در اماله است؛ که آن هم تأثیری در مفهوم آیه ندارد. (برای مشاهده قرائت چهارده گانه بنگرید به: خطیب، ۲۰۰۰م: ۱/۱۹۷).

۵- ارائه فهمی متناسب با زمان برای آیات مربوط به ارزش شهادت (یافتن تأویل یا باطن آیات)

ابتدا مطالبی درباره بطن بیان می شود و سپس تلاش می کنیم به بطن آیات مرتبط با شهادت دست یابیم: مقوله بطن که در حقیقت یکی از ساحت های فهم قرآن است در کنار مقوله جری، چتر هدایت الهی را به درازای زمان و مکان و فهم های گوناگون می گستراند. بطن قرآن ضامن جاودانگی آن است. از آن جا که قرآن در زمان ها و مناسبت های مختلف نازل شده و هر کدام ناظر به یک جهت خاصی است، قرآن با همان جنبه خاص مرتبط می شود که در این صورت، کتابی تاریخی می شود. به همین دلیل،

پیامبر ما را نسبت به برخورداری قرآن از بطن آگاه کرد بدین معنا که هر آیه در درون خود حامل رسالت عام و ابدی است و پیامی درون هر آیه است که آن را مقید به تاریخ نمی‌کند و رمز جاودانگی آن است. (معرفت، ۱۳۸۷: ۳۱/۱).

وجود مراتب طولی معنایی و قابلیت انطباق مفاهیم آن بر مصادیق جدید در طول زمان از امتیازات زبان قرآن به شمار می‌آید و بیانگر جاودانگی آن است. کشف هر یک از مراتب معنایی آن می‌تواند پاسخگوی بخش‌هایی از نیازهای هدایتی بشر در گستره تاریخ باشد. در قرآن، تمام مصادیق مربوط به هر زمان نیامده؛ بلکه معارف، اوامر و نواهی نازل شده به مردم عصر نزول، مصادق‌هایی از معارف و احکام کلی قرآن هستند و هر مصداقی که در زمان‌های بعد حادث شود، از سنخ همان مواردی است که در قرآن آمده است. (فائز و گوهری، ۱۴۰۰: ۵۷-۵۸).

با این مقدمه، به روش زیر تلاش می‌کنیم که فقط به ظاهر آیات بسنده نکنیم و از آیات مرتبط به شهادت، اصولی فراعصری استخراج کنیم که به کار زندگی در دنیای معاصر بیاید. به خاطر داشتن چهار مرحله پیشنهادی آیت‌الله معرفت که در اصل نهم بیان شد، در یافتن بطن آیات بسیار مفید خواهد بود.

الف: از آنجا که دلیل ضرورت وجود دو شاهد زن، به جای یک مرد، کم بودن آگاهی زنان در امور اقتصادی است، از این تفاوت نتیجه می‌شود که در پذیرش شهادت افراد، چه زن و چه مرد، آگاهی بر موضوع مورد شهادت اهمیت دارد. به دیگر سخن، موضوع عبارت مورد بحث آیه ۲۸۲ سوره بقره، بیان تفاوت ارزش شهادت زن و مرد نیست؛ بلکه موضوع اصلی آن اهمیت توجه به میزان آگاهی شاهد در موضوع مورد شهادت است.

ب: بررسی آیات ۲۳ تا ۲۹ سوره یوسف نشان می‌دهد که منظور خداوند از شاهد، صرفاً وجود افرادی که ماجرای را با چشم خود دیده باشند، نیست؛ بلکه در آیه ۲۶، از دلایل محکم عقلی نیز به عنوان شاهد یاد شده است. متن آیات ۲۳ تا ۲۹ سوره یوسف از این قرار است:

وَرَأَوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۳) وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لَنَصْرَفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (۲۴) وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۵) قَالَ هِيَ رَأَوْدَتُنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۶) وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۷) فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (۲۸) يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرَ لِذَنْبِكِ إِنَّكَ كُنْتَ مِنَ الْخَاطِئِينَ (۲۹)



ترجمه: و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود، خواست از او کام گیرد، و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت: «بیا که از آن توام!». [یوسف] گفت: «پناه بر خدا، او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند». (۲۳) و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود. (۲۴) و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند. زن گفت: «کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟ جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود». (۲۵) [یوسف] گفت: «او از من کام خواست». و شاهی از خانواده آن زن شهادت داد: «اگر پیراهن او از جلو چاک خورده، زن راست گفته و او از دروغگویان است، (۲۶) و اگر پیراهن او از پشت دریده شده، زن دروغ گفته و او از راستگویان است». (۲۷) پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاک خورده است، گفت: «بی‌شک این از نیرنگ شما [زنان] است، که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است». (۲۸) «ای یوسف! از این [پیشامد] روی بگردان و تو [ای زن] برای گناه خود آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بوده‌ای». (۲۹)

از این مطلب اطمینان می‌یابیم که عمل شاهد گرفتن، شهادت دادن و دیگر موضوعات مرتبط به آن، که ظهر قرآن است، به آن اندازه که در قوانین و فرهنگ مسلمانان ایرانی اهمیت پیدا کرده است، اصالت ندارد؛ بلکه موضوع اصلی آیات، همان اهداف بیان شده در آیه ۲۸۲ سوره بقره، یعنی رعایت قسط، پیشگیری از شک و تردید و محکم‌کاری در کارها است.

پ: در موضوعاتی همچون اثبات فحشا که سخن از چهار شاهد به جای دو شاهد است، بدین معناست که اثبات چنین موضوعاتی به دلایلی با برهان‌های بسیار محکم‌تری نیاز دارد.

ت: دقت در آیات مربوط به شهادت نشان می‌دهد که هدف خداوند از شاهد گرفتن و شهادت دادن در مواردی چون معامله، وصیت و برگرداندن مال یتیم، طلاق و اثبات فحشا، همانا رعایت عدالت، جلوگیری از شک و تردید و در واقع محکم‌کاری است. این هدف در آیه ۲۸۲ سوره بقره، با عبارت «ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا» و در آیه ۱۰۸ سوره مائده با عبارت «ذَلِكُ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهٍ أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ» بیان شده است. با توجه به اصل نهم، در عصر کنونی با توجه به افزایش جمعیت و گسترش معاملات، استفاده از شاهد برای محکم‌کاری در امور گوناگون کارساز نیست و برای برآورده نمودن هدف آیات، لازم است برای محکم‌کاری در همه امور، از روش‌هایی که سازگار با زندگی امروز باشد، استفاده شود. نمونه‌هایی از این روش‌ها دفاتر حقوقی و ثبت اسناد و ... است. به دیگر سخن، وقتی ما تلاش می‌کنیم از دقیق‌ترین و محکم‌ترین روش‌ها برای ثبت

قراردادهای مالی و یا اثبات حکم و ... استفاده کنیم، در واقع، به دستورات خداوند عمل نموده ایم؛ اگرچه به ظاهر آیات، که همان شاهد گرفتن و شهادت دادن است عمل نکرده باشیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

۱- از پژوهشگر محترم خواهشمند است بدون آنچه که درباره نقصان عقل زنان و نصف بودن ارزش شهادت آنان در برابر مردان شنیده است؛ و در واقع، با کنار گذاشتن پیش فرض‌های ذهنی‌اش، آیه ۲۸۲ سوره بقره را بخواند و سپس به مطالعه مقاله بپردازد؛ و با خود ببیند، که آیا حال و هوای آیه، با ترجمه بیان شده در این مقاله سازگارتر است و یا با ترجمه‌های رایج آن؛ که با هیچ توجیهی نمی‌توان پذیرفت که در آن توهینی به زن وجود ندارد.

۲- از آنجا که در این مقاله، برای آیه ۲۸۲ سوره بقره که یکی از بحث‌انگیزترین آیات قرآن است، ترجمه و فهم جدیدی ارائه شده است، نقد ترجمه و فهم نویسنده به پژوهشگران محترم پیشنهاد می‌شود.

۳- فرضیه نویسنده این است که یافتن هدف آیات به جای دستورات ظاهری آنها می‌تواند به فهمی از قرآن که برای مؤمنان امروزی کارآمد باشد، منجر شود. در واقع، این شیوه یکی از ابزار دستیابی به بطن یا تأویل آیات است. این موضوع هم در آیه ۶۰ سوره انفال و هم در آیه ۲۸۲ سوره بقره واضح است. در برابر این دو آیه، دو راه پیش روی ما است: اگر بخواهیم به ظاهر آیات عمل کنیم، بی‌نتیجه است؛ زیرا امروزه، نه داشتن اسبان سواری بسیار، در دل دشمنان ترسی می‌افکند؛ نه استفاده از شاهد برای محکم‌کاری در معاملات و روابط مالی کارساز است؛ و نتیجه این می‌شود که راهکارهای قرآن، فقط به درد همان ۱۴۰۰ سال پیش می‌خورد؛ البته، این فرض با بسیاری از آیات قرآن، که در آنها سخن از جاودانگی این کتاب است نیز، در تناقض آشکار است. راهکار دوم آن است که کاری به ابزار و ظاهر متن نداشته باشیم و فقط هدف آیات را در نظر بگیریم. از آنجا که همه قرآن کلام یکنواخت خداوند است، یا این قاعده در همه جای قرآن برقرار است و یا در هیچ‌جا برقرار نیست. می‌بینیم که در دو مورد واضح است که باید به هدف آیات توجه داشته باشیم، در نتیجه، این قاعده در سرتاسر قرآن برقرار است.

۴- بررسی دیگر موضوعات، با پایبندی به اصول بیان شده در این مقاله، به دیگر پژوهشگران محترم پیشنهاد می‌شود.

سهم نویسندگان

این مقاله از کتاب آماده چاپ نویسندگان، با عنوان «جنسیت و پیوندهای انسانی: نگرشی نو و قرآن‌محور» استخراج شده است. ایده پژوهش متعلق به نویسنده مسئول است. نویسنده دوم، در طی سالیان، ویرایش‌های گوناگون کتاب را مطالعه و نقد می‌نموده است؛ ویرایش مقاله از نظر زبان عربی نیز بر عهده ایشان بوده است.

قرآن کریم.

- آجیلیان مافوق، محمد مهدی؛ اسماعیلی زاده، عباس؛ طباطبائی پور، سید کاظم (۱۳۹۷ش): «نوشتاری بودن زبان قرآن در مقایسه با شاخصه‌های دیسکورس گفتاری و نوشتاری»، آموزه‌های قرآنی، دوره ۱۷، شماره ۲۸، ۱۰۵-۱۳۲.
- آریان، حمید (۱۳۸۷ش): «توصیف در ترکیب‌های اضافی قرآن و لغزش‌های برخی از مترجمان»، ترجمان وحی، سال سوم، شماره ۱، ۱۰-۳۱.
- احمری، محمد؛ احمری، حسین؛ سلطانی، ابوالحسن (۱۳۹۹ش): «ارزش اثباتی شهادت در مورد اسناد طبق سوره بقره به لحاظ جنسیتی»، تحقیقات حقوقی آزاد، دوره سیزدهم، شماره ۴۹، ۲۱۲-۱۹۷.
- ایزدی، مهدی؛ اخوان‌مقدم، زهره (۱۳۹۲ش): «ضرورت، ماهیت و روش استنطاق از منظر روایات اهل بیت (ع)»، مطالعات قرآن و حدیث، سال ششم، شماره ۲، ۱۰۳-۱۲۶.
- پرجم، اعظم؛ قناعتی، راضیه (۱۳۹۹ش): «مفهوم‌شناسی ضلّ در گفتار موسی (ع) در قرآن کریم با تکیه بر سیاق»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال نهم، شماره ۱، ۱۰۳-۱۱۸.
- جعفری، نعمت‌اله؛ باکویی، مهدی (۱۳۹۷ش): «اصول و راهکارهای تفسیر قرآن بر اساس مقتضیات زمان»، قرآن و علم، سال دوازدهم، شماره ۲۳، ۷۹-۱۰۸.
- حسن‌خانی، احمد رضا (۱۳۸۹ش): «نگاهی به دیدگاه‌های مفسران در مورد گواهی (شهادت) زنان در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، ۲۰۶-۲۳۴.
- ، - (۱۴۰۰ش): «تفسیر موضوعی قرآن با قرآن؛ با تأکید بر انسجام، نظم شبکه‌ای و فراعصری بودن متن: راهکاری برای فهم روشمندان و کاربردی قرآن»، اولین همایش بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی.
- خرّمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۶ش): «قرآن پژوهی»، تهران: ناهید.
- خطیب، عبداللطیف (۲۰۰۰م)، «معجم القرائات»، دمشق: دار السعدین.



- خیری، مریم؛ نیازی، شهریار؛ سرشار، مژگان (۱۳۹۹ش): «پژوهشی درباره زبان جنسیت‌زده عربی و بازنمایی آن در قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال هفدهم، شماره ۴، ۱۰۸-۷۳.
- راد، علی؛ مؤمن‌نژاد، ابوالحسن (۱۳۹۴ش): «مبانی ادبی و زبان‌شناختی جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال چهاردهم، شماره ۱، ۵۷-۷۹.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۸ش): «شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۶، ۲۹-۴۸.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۷ش): «نقش انقلاب اسلامی در پیدایش و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم»، قرآن و علم، سال دوازدهم، شماره ۲۳، ۱۳-۴۶.
- رضایی کرمانی، محمد علی؛ خوش‌خاضع، محمد جمال‌الدین (۱۳۹۴): «بازخوانی آیه دین (بقره: ۲۸۲) در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم»، کتاب‌قیم، سال پنجم، شماره ۱۲، ۸۱-۱۲۲.
- زاهدی، کیوان (۱۳۸۷): «جنسیت و جنس‌زبانی در قرآن کریم»، مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۲، ۷۹-۱۰۲.
- زبیری، نوید (۱۳۸۴ش): «پارس قرآن: جستجوی قرآن، جستجوگر قرآن به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی، شامل پنج ترجمه فارسی و پنج ترجمه انگلیسی»، <http://www.parsquran.com/>
- سبحانی، حسین؛ امیرحسینی، امین؛ روشن، محمد (۱۳۹۵ش): «رویکردی نوین در شهادت زن در نظام حقوقی اسلام با نگاهی به نظام حقوقی ایران»، مطالعات زن و خانواده، دوره چهارم، شماره ۱، ۲۰۵-۲۳۴.
- شاکرین، حمید رضا (۱۳۹۱ش): «جامعیت چهار وجهی زبان قرآن و برون‌داد روش‌شناختی آن»، اندیشه نوین دینی، سال هشتم، شماره ۲۸، ۹-۲۴.
- صالحی‌مازندرانی، محمد (۱۴۰۰ش): «تحلیل تکلیف حقوقی در نابرابری شهادت و حل آن بر اساس تفسیر واژه‌ها در بستر شکل‌گیری»، پژوهش‌های فقهی، دوره هفدهم، شماره ۳، ۱۱۰۲-۱۰۷۷.

three period
The six number
Spring & Summer
2021

- دری، سید محمد؛ صادقی موحد، خدیجه (۱۳۹۴ش): «گستره گواهی و شهادت زن در اسلام»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۷۱-۹۶.
- صفره، حسین؛ معارف، مجید؛ پهلوان، منصور (۱۳۸۹ش): «استنطاق قرآن»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره ۱، ۱۳۹-۱۶۳.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۳ش): «قرآن در اسلام»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش): «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: اسلام.
- طبیب حسینی، سید محمود؛ حکیمیان، علی محمد؛ شیرزاد، محمد حسن؛ شیرزاد، محمد حسین (۱۴۰۱ش): «کاهش ارزش شهادت زنان در قیاس با مردان؛ تفسیر تطبیقی آیه ۲۸۲ سوره بقره با تمرکز بر تفاسیر المنار، المیزان و من وحی القرآن»، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، سال هشتم، شماره ۱، ۱۱۳-۱۳۸.
- فائز، قاسم؛ گوهری، مریم (۱۴۰۰ش): «ارتباط تفسیر، تأویل و بطن با یکدیگر در حوزه فهم قرآن»، تأویلات قرآنی، دوره سوم، شماره ۶، ۴۲-۷۷.
- فتاحی زاده، فتحیه؛ جلالی کندری، سهیلا؛ آبادی، فاطمه (۱۳۹۶ش): «معناشناسی «اضلال الهی» در قرآن کریم»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۹۹-۲۱۶.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۳ش): «قرآن را تنها با زبان ایمان می‌توان خواند و نیوشید و فهمید»، بینات، سال اول، شماره ۲، ۵۲-۵۸.
- فریسات، زینب (۱۳۹۲ش): «معناشناسی واژه «ضلال» در قرآن کریم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- فعالی، محمد تقی (۱۳۹۲ش): «منطق صوری فهم معنای واژه‌های قرآن»، اندیشه نوین دینی، سال نهم، پیاپی ۳۳، ۷-۲۲.
- قرائی سلطان آبادی، احمد (۱۳۹۴ش): «فهم قرآن در پرتو نظم شبکه‌ای یا فراخطی آن»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال چهارم، شماره ۱، ۴۱-۶۰.
- کریمی، مصطفی (۱۳۹۸ش): «فرآیند نظریه‌پردازی قرآنی در حوزه تفسیر موضوعی»، مطالعات قرآن و حدیث، سال سیزدهم، شماره ۱، ۱۸۹-۲۱۷.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۷ش): «هرمنوتیک، کتاب و سنت»، تهران: طرح نو.



- مسبوق، سید مهدی؛ غلامی یلقون آقاج، علی حسین (۱۳۹۶ش): «تحلیل معنی شناختی واژه «ضلال و اوصاف آن» در قرآن»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ششم، شماره ۲، ۲۳-۴۴.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸ش): «علوم قرآنی»، قم: موسسه فرهنگی تمهید.
- مهریزی، مهدی (۱۳۹۰ش): «شخصیت و حقوق زن در اسلام»، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نکونام، جعفر؛ جوانمردزاده، زکیه (۱۳۹۴): «نیاز به تفسیر قرآن، ذاتی یا عرضی»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، دوره هشتم، شماره ۱۶، ۱۲۷-۱۴۶.
- ودود، آمنه (۱۳۹۳ش): «قرآن و زن»، ترجمه اعظم پویا و معصومه آگاهی، تهران: حکمت.
- یاقوتی، ابراهیم؛ مرادی، معصومه (۱۴۰۰ش)، «تحلیلی بر شبهات شهادت بانوان در اسلام»، پژوهش‌های فقهی، دوره هفدهم، شماره ۴، ۱۴۳۹-۱۴۶۳.
- یساقی، علی اصغر (۱۳۹۴ش): «شبهات مبانی تفسیر موضوعی برون‌گرایانه و هرمنوتیک»، فقه و تاریخ تمدن، سال یازدهم، شماره ۴۳، ۱۰۳-۱۲۱.

References

- The Noble Qur'an
- Ahmari, Mohammad; Ahmari, Hossein; Sultani, Abulhasan (2020): "Probative Value of Testimony about Documents according to Surah Al-Baqarah in Terms of Gender", International Legal Research, 13(49): 197-212.
- Ajilian Mafowgh, Muhammad Mahdi; Esmaeelizadeh, Abbas; Tabatabaeipour, Sayyed Kazem (2019), "The Authenticity of Qur'an Written Language in Comparison with Characteristics of Spoken and Written Discourses", Qur'anic Doctrines, 17(28): 105-132.
- Ariyan, Hamid (1999), "Attribution in Genitive Constructions of the Holy Qur'an and Some Translators' Mistakes", Tarjuman-i Wahy, 3(1): 10-31.
- Faali, Muhammadtaqi (2013), "Formal Logic for Perceiving the Meaning of Qur'anic Words", Andishe-E-Novin-E-Dini, 9(33): 7-22.
- Faez, Ghasem; Gohari, Maryam (2022): "The Relation between Interpretation, Ta'aviil and Underlying Meaning in Understanding the Qur'an", Quranic Interpretations Research, 3(6): 42-77.

- Farasatkah, Maghsud (1373 SH), “Qur’an Can Be Read, and Understood Only with the Language of Faith”, Bayyenat, 1(2): 52- 68.
- Farisat, Zeynab (2013), “Semantic Analysis of the Word “Zalaalat” in the Holy Qur’an”, M. A. Thesis, Kharazmi University of Tehran.
- Fattahi Zadeh, Fathiyyeh; Jalali Kondori, Soheyla; Abadi, Fatemeh (2017): “Semantic of Ezzal of Allah in the Holy Quran”, Qur’anic Interpretation and Language, 5(2): 199-216.
- Gharaee Soltan Abadi, Ahmad (2015), “Understanding the Qur’an in the Light of its Network and Meta-linear Order”, Linguistic Research in the Holy Qur’an, 4(1): 41-60.
- Hasan Khani, Ahmad Reza (2010), “A Glance at the Viewpoints of the Interpreters Concerning Women’s Witness in the Qur’an”, Qur’anic Researches, 16(61): 206-234.
- -, - (1400 SH), “Thematic Interpretation of Qur’an by Qur’an; Emphasizing the Coherence, Network Order and Trans-historicity of the Text: Toward a Methodical, Applicable Understanding of the Qur’an”. The first International Conference on Interdisciplinary Qur’anic Studies (ICIQS 2022), Tehran: Shahid Beheshti Universtiy.
- Izadi, Mahdi; Akhavan Moghadam, Zohreh (2014), “The Necessity, Nature and Cross Question’s Method from the Perspective of Ahlol Beyt (p. b. u. h.)”, Qur’an and Hadith Studies, 6(12): 103-126.
- Jafari, Nematullah; Bakouei, Mahdi (2019), “The Principles and Methods of Interpreting the Qur’an based on the Requirements of the Time”, The Qur’an and Science, 12(23): 79-108.
- -. Karimi, Mostafa (2019), “The Process of Qur’anic Theorizing in the Field of Subjective Interpretation”, Qur’an and Hadith Studies, 13(1): 189-217.
- Khatib, Abd ul-Latif (2000), “Moajam al-Qaraat”, Damishq: Dar al-Sadain.



- Kheiry, Maryam; Niazy, Shahryar; Sarshar, Mozghan, (2021), "A Research on the Gendered Arabic Language and its Representations in the Qur'an", *Qur'an and Hadith Sciences*, 17(4): 73-108.
- Khorramshahi Bahauddin (1376 SH), "Quranpazhoohi", Tehran: Nahid.
- Ma'refat, Muhammad Hadi (1388 SH), "Olum-e Qurani", Qum: Dar at-Tamhid
- Masboogh, Seyyed Mehdi; Gholami Yalghon, Ali Hosein (2017), "The Semantic Analysis of the Word "Zalaal" (Obliquity) along with its Descriptions in the Holy Qur'an", *Linguistic Researches in the Holy Qur'an*, 6(2): 23-44.
- Mehrizi, Mahdi (1390 SH), "Shakhsiyat va Hoquq-e Zan Dar Islam", Tehran: Elmi Farhangi Publication Company.
- Mojtaهد Shabestari, Mohammad (1377 SH), "Hermeneutic, the Scripture and the Tradition", Tehran: Tarh-e- No.
- Nekonam, Jafar; Javanmardzadeh, Zakiyeh (2015), "The Need for Narrative Interpretation, Inherent or Accidental", *Pazhouhesh Name-ye Qur'an va Hadith*, 8(16): 127-146.
- Parcham, Azam; Ghenaati, Raziyeh (2020), "The Concept of "ddall" in the Speech of Moses in the Holy Qur'an Relying on Context", *Linguistic Researches in the Holy Qur'an*, 9(1): 103-118.
- Rad, Ali; Momennejad, Abolhasan (2017), "Literal and Linguistics Principles for Jary (Denotation) and Tatbīq (Matching) in the Interpretation of the Qur'an", *Qur'an and Hadith Sciences*, 14(1): 57-79.
- Rezaee Isfahani, Mohammad Ali (2010), "Thematic Interpretation Methods of the Qur'an", *Pazhouhesh Name-ye Qur'an va Hadith*, N0. 6: 29-48.
- Rezaee Isfahani, Mohammad Ali (2019), "The Role of the Islamic Revolution in the Emergence and Expansion of Interdisciplinary Studies in the Qur'an and the Sciences", *Qur'an and Sciences*, 12(23): 13-46.
- Rezayee Kermani, Mohammad Ali; Khosh Khazea, Mohammad Jamal al-Din (2015), "Reviewing the Verse of "Dain" (Debt) (Baqarah: 282) in

Contemporary Persian Translations of Holy Qur'an, Ketab-E-Qayyem, 5(12): 81-122.

- Sadri, Mohammad; Sadeghi, Khadijeh (2015), "Scope of Woman's Witness and Evidence in Islam", Islamic Law & Jurisprudence Researches, 11(4): 71-96.
- Safareh, Hossein; Maaref, Majid; Pahlavan, Mansur (2010), "Interrogation of Qur'an", Qur'anic Researches and Tradition, 43(1): 139-163.
- Salehi Mazandarani, Mohammad (2021), "Analysis of the Legal Duty with Regard to Inequality of Testimony; A Solution Based on the Interpretation of Words in the Context of Their Formation", Jurisprudential Researches, 17(3): 1077-1102.
- Shakerin, Hamid Reza (2012), "Tetra-lateral Completeness of Qur'anic Language and its Methodological Output", Andishe-E-Novin-E-Dini, 8(28): 9-24.
- 32. Sobhani, Hossain; Amirhoseini, Amin; Roshan, Mohammad (2016), "A New Approach in the Testimony of Woman in the Legal System of Islam in Cosidering into the Legal System of Iran", Woman and Family Studies, 4(1): 205-234.
- Tabatabaai, Sayed Muhammad Hussain (1353 SH), Qur'an dar Islam, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiah.
- Tayebhoseini, Sayed Mahmood; Hakimian, Ali Muhammad; Shirzad, Muhammad Hassan; Shirzad, Muhammad Hussein (2022), "Decreasing the Value of Women's Testimony Compared to Men; A Comparative Study on (Q. 2:282)'s Exegesis Focusing on al-Manār, al-Mīzān, and Min Wahy al-Qur'ān", Comparative Interpretation Researches, 8(1): 11-135.
- Tayib, Siyid Abdul-Hussain (1378 SH), "Atyab ul-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Islam Publication.
- Wadud-Muhsin Amina (1999), "Qur'an and Woman: Rereading the Interpretation Sacred Text from a Woman's Perspective", Axford: Axford University Press.



- Yaqouti, Ebrahim; Moradi, Ma'soumeh (2022), "Analysis of the Doubts about Testimony of Women in Islam", Jurisprudential Researches, 17(4): 1439-1463.
- Yasaghi, Ali Asghar (2015), "Similarity of the Basics of Extroverted Thematic Interpretation and Hermeneutic", Jurisprudence & History of Civilization, 1(1): 103-121.
- Zahedi, Keivan (2009), "Gender and Linguistic Gender in the Holy Qur'an", Women's Strategic Studies, 11(42): 79-102.
- Zobeiry, Navid (2006), "ParsQuran: Quran search in three Languages: Persian, Arabic and English, Including Five Persian Translations and Five English Translations, <http://www.parsquran.com/>.

